# پاره ای از انگاره های نادرست

# درباره حماسه حسینی در ادب فارسی

محمد دانشگر


بسم الله الرحمن الرحیم

# پاره ای از انگاره های نادرست درباره ی حماسه حسینی در ادب فارسی

نویسنده:

محمد دانشگر

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# پاره ای از انگاره های نادرست درباره ی حماسه ی حسینی در ادب فارسی

## مشخصات کتاب

پاره ای از انگاره های نادرست درباره ی حماسه ی حسینی در ادب فارسی

محمد دانشگر

## چکیده

گرچه متون ادب فارسی به مقتضای اعتقادات آزاداندیشانه ی گویندگان آن، آکنده از احترام، ستایش و تجلیل از خاندان اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم است و این سخن با نگاهی مختصر به آثار منظوم و منثور استحکام می یابد، اما به تدریج و در خلال اعصار و قرون و به علت کاربرد گسترده، پراکنده و فراوان الفاظ و مفاهیم مرتبط با این حرکت حیاتبخش امام حسین (ع) کم کم، افکار ناصواب و اندیشه های وارونه و باژگونه در شکلهای مختلف آن در متون ادبی وارد گردید. این مقاله با نگاهی گذرا و مختصر به برخی از دیوانها و آثار ادبی گذشته و امروز، نمونه هایی از این کج اندیشیها و باورهای نادرست را ارائه کرده است.

## مقدمه

حماسه بزرگ عاشورا و جنبه های مختلف و گوناگون آن در ادبیات و بویژه شعر فارسی، تجلی همه جانبه یافته است. گرچه تعداد زیادی از شاعران، ادیبان و سخنوران بزرگ و پرآوازه ی ایرانی بر مذهب رایج زمان خود (اهل سنت) بودند و طبیعتا اقتضای چنین باوری این است که دیدگاه آنان نسبت به قیام حسینی و واقعه ی عاشورا همانند شیعیان نباشد، اما در عین حال، کمتر، ادیب، نویسنده و صاحب اثری را می شناسیم که از این حادثه ی دردناک و فاجعه ی اسفبار بشری آن چنان متأثر نشده باشد که این میدان را نیز مجالی برای عرضه ی هنر و ابراز نظر خود قرار نداده باشد.نگاهی کوتاه و گذرا به آثار این بزرگان، گواهی صادق بر این ادعاست که این مقاله اکنون درصدد بیان و ارائه آن نیست. (مقاله ها و کتابهایی نیز در این زمینه نگاشته شده است.)این مقاله در پی آن است که به برخی

از نمونه های ادبی – هر چند مختصر – اشاره کند که در آنها اولا این الفاظ مقدس دستمایه ی بیان مفاهیمی پیش پا افتاده، روزمره و بسیار معمولی شده است و ثانیا مواردی از برخی کج اندیشیها، انحرافات و تحریفات را نیز ارائه کند. دقیقا و بدرستی روشن نیست که چنین رواج و بهره گیری چگونه و از چه مقطع زمانی در متون ادب فارسی شکل گرفته است لکن از شواهد و نمونه ها چنین برمی آید که گستردگی استفاده از مفاهیم مختلف وابسته به حادثه ی کربلا و همه گیر شدن آن به کاربردهای نادرست، کمک فراوانی کرده است.بخشی از این کاربردها به لفظ کربلا و محرم به گونه ای مستقیم، مربوط، و با آوردن این الفاظ همراه است و پاره ای به صورت گسترده و فراگیرتر از مفاهیم گوناگون وابسته به واقعه ی عاشورا بهره جسته اند که ذیلا به عنوان نمونه به هر یک، فراخور حال، اشارتی می شود:

## کربلا

قرار گرفتن جزء «بلا» در نیمه پایانی کلمه کربلا، همچنین طرح کلمه به صورت «کرب و بلا» در بعضی مآخذ و کتابها و استفاده و کاربرد لفظی شاعران در ابتدا از این مناسبت، به تدریج، تداعی بخش همسویی و برابری کلمه ی کربلا با بلا، رنج، مصیبت و گرفتاری شده است.شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (و. ۶۲۷ ه) در مثنوی عرفانی منطق الطیر در بیتی از این نزدیکی لفظی، بهره ی شاعرانه برده و این برابری صوری و ظاهری کلمه برای او تداعی کننده ی مفهوم رنج و گرفتاری شده است؛ آنجا که می گوید:آنچه آن بر انبیا رفت از بلا هیچ کس ندهد نشان در کربلا [۱] .در رباعی زیر، گرچه مقصود و حسرت شاعر ظاهرا والا و ارزشمند است

اما باز هم نشان از برقراری رابطه ی لفظی در ابتدای کار و تداعی بخشیدن معنا و مفهومی متناسب با همان ارتباط لفظی در آخر کار است:تا از وطن خویش جلایی دارم هر روز غم و درد و بلایی دارم از دیده و دل ز حسرت خاک نجف هر لحظه فرات و کربلایی دارم [۲] .شاعری دیگر می گوید:ز جور اگر کشدم مدعای من این است خدا بلا دهدم کربلای من این است [۳] .که این مفهوم نیز همان برقراری رابطه ی لفظی و مفهومی بلا- با کربلاست.اصولا- لفظ کربلا- برای برخی گویندگان و شاعران در آثارشان یادآور رنج، محنت، مصیبت، حتی بدبختی و گرفتاری است که شاعر بدان دچار شده و برای ترسیم دقیق و توصیف کامل اوضاع و ارتباط خود با وقایع و حوادث از آن بهره جسته است یا کربلا را محل هلاکت، از میان رفتن، کشته شدن و نابود گشتن و مفاهیمی از این قبیل معرفی می کند.جلال الدین محمد مولوی (و. ۶۷۲ ه ق) گرچه غالبا ستایشهای سترکی از این واقعه و قهرمانان و شهیدان آن کرده [۴] ، اما در جاهایی از مثنوی عرفانی خود، این شاهکار سترک عالم عرفان در زبان فارسی، از همین لفظ در خلال بیان و توصیف صحنه هایی از داستانها، همانگونه، استفاده کرده است؛ مثلا می گوید:گفت دانم کز تجوع وز خلا جمع آمد رنجتان زین کربلا [۵] .برابری کربلا با رنج، همسویی و همخوانی از این دو را با یکدیگر بیان می کند. در دفتر سوم مثنوی ضمن حکایت مسجد مهمان کش و بیان ثبات عقیده و صدق اراده ی غریبی که می خواست طلسم مسجد را بشکند، می گوید:مسجد اگر کربلای من شوی کعبه ی حاجت

روای من شوی [۶] .گرچه مصـراع دوم، مفهوم متعالی تری به نتیجه ی کار می بخشد، اما در مصراع اول، کربلا همچنان محل قتل، از بین رفتن، کشته شدن و هلاکت فرد است.خاقانی (و. ۵۹۵ ه ق) شاعر نام آور و قصیده سرای ادب فارسی در عین حال که اهمیت و اعتبـار امام حسـین (ع) و کربلا را هیـچ گاه در شـعر خود خـدشه دار نکرده، بلکه آن را سـتوده [۷] ، امـا در عین حال، در بیتی از یک قصیده ی خود برای بیان منتهای گرفتاری و شکوه از اهل زمان از لفظ کربلا و مناسبتهای دیگر آن بیشتر به همین منظـور بهره برده است:من حسـین وقت و نااهلاـن یزیـد و شـمر من روزگـارم جمله عـاشورا و شـروان کربلاـ [۸] .زاد زیست او آن چنان گرفتاریها و اندوه را در خود جمع کرده که برای او حکم کربلا را دارد.شاعری دیگر از این مرحله نیز فراتر رفته، جوشـیدن و زنـده شـدن مصـیبتهای دشت کربلاـ را ناشـی از این می دانـد که بـویی از محنت و نسـیمی از انـدوهان او بر سرزمین کربلا وزیدن گرفته است:خاک دشت کربلا را جوش از سـر تازه شد باد برد آنجا مگر بویی ز محنتهای من [۹] .شاعر دیگری علاوه بر اینکه لفظ کربلا را به مفهوم نامساعد بودن اوضاع و احوال و درهم و برهم شدن کار، آورده از لفظ شهید نیز مفهوم و معنای از بین رفتن و تباه شدن را اراده کرده است:خامگویان بس که می سازند معنیها شـهید شد زمین شعر آخر چون زمین کربلا [۱۰] .حتی در دوره ای بس کوتاه از روزگار ما نیز مفهوم مصراع اول همین شعر از کلمه شهید در تداول

عامه، گاه و بیگاه، شنیده می شد؛ مثلا مانند این جمله به کار می رفت:«به دنبال سخن من، آنقدر شلوغ کردند که حرف من شهید شد» و منظور این بود که حرف من از بین رفت، کسی متوجه منظور من نشد و یا به حرف من اصلا گوش نکردند. خوشبختانه چنین کاربردی دیری نپایید و دولتش به سر آمد و به سرعت از میان رفت.

## محرم

در شعر زیر از یکی از شاعران قرن یازدهم، لفظ محرم ضرب المثل سختی و مشقت شده و به همین منظور به کار رفته است:عید و نوروز ندیدیم و به حسرت ما را عمر ده روزه چو ده روز محرم بگذشت [۱۱] .

## عنوانها و مفاهیم دیگر

بهره گیری از مفاهیم مختلف اما به نوعی وابسته به واقعه کربلا و عاشورای حسینی (ع) بسیار پراکنده و گسترده است؛ یعنی طرح و افکندن آنها همچون دو لفظ یاد شده (محرم و کربلا) محدود نیست بلکه هم در بعد اعتقادی و اخلاقی و هم در جنبه های دیگر، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، گرچه شاعران و ادیبان عمدتا از واقعه ی کربلا و حوادث پیرامون آن از یک سو با ابهت و عظمت یاد کرده اند و از دیگر سو نیز تأثر، اندوه و تأسف فراوان خود را از این واقعه ابراز کرده اند، اما در عین حال، کم و بیش، آثار شاعران یا معرض بیان باورهای غلط و منحرفی شده که در اذهان عامه ی مردم رسوخ داشته و یا اینکه خود منشأ و موجد اندیشه ای نادرست و کج از واقعه ی عاشورا و جنبه های مرتبط با آن گشته که باز به دلیل همسویی با همان اندیشه های عمومی یا سینه به سینه و به صورت شفاهی و یا به گونه ی مکتوب جزو آثار ادبی قلمداد، و ماندگار شده است.ذیلا در حد حوصله این مقاله – که بسی مختصر است – به پاره ای از شواهد اشاره می شود: یکی از جنبه های تحریفی قضیه ی عاشورا به طور کلی القای این مطلب است که امام حسین (ع) در واقع نه به خاطر احساس وظیفه و نه به دلیل

آنچه خود، بارها آن حرکت را قیامی به منظور زنده کردن احکام اسلام و احیای دو اصل اساسی و مهم امر به معروف و نهی از منکر خوانده، حرکت می کند، بلکه هدف، این بوده که حرکتی انجام شود تا تلافی گناه شیعیان و در حقیقت، سبب آمرزش آنان از گناه در قیامت باشد. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) دراین زمینه می فرماید:«... تفسیر دوم همان است که در ذهن بسیاری از عوام الناس وارد شده که امام حسین (ع) کشته شد و شهید شد برای اینکه گناه امت بخشیده شود. شهادت آن حضرت به عنوان کفاره ی گناهان امت واقع شد؛ نظیر همان عقیده ای که مسیحیان درباره ی حضرت مسیح پیدا کردند که عیسی به دار رفت برای اینکه فدای گناهان امت بشود... امام حیسن (ع) شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خنثی کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد... این طرز فکر و این طرز تفسیر بسیار خطرناک است. برای بی اثر کردن قیام امام حسین (ع) و برای مبارزه با هدف امام حسین (ع) و برای بی اثر کردن و از بین بردن حکمت دستورهایی که برای عزاداری امام حسین (ع) رسیده هیچ چیزی به اندازه ی این طرز فکر و این طرز تفسیر مؤثر نیست. [۱۲] .اما قوت و استحکام این تفسیر غلط و نادرست تا بدان پایه گشته که برخی از شاعران نیز این تصور غلط را در شعر خود آورده و بیان کرده اند که نمونه هایی از این دست را می خوانیم:آخر منم سلاله سالار کاینات لب تشنه در میان شما با مخدرات تنها نه تشنگان پسر و دختر منند اینها همه بنین رسولند یا

بنات ترسم که گر بنات نبی آه برکشند از آهشان ز خاک نروید دگر نبات پیوسته اید با هم و بربسته اید عهد تا تشنه لب کشید مرا در لب فرات من سیرم از حیات و گرنه کنم روان در هر قدم به روی زمین چشمه ی حیات بهر شفاعت گنه دوستان خویش کردیم سینه را هدف تیر حادثات [۱۳] .و یاگفت من با این گروه بدستیز دادخواهی دارم اندر رستخیزکربلا گردیده قربانگاه من هست هفتاد و دو تن همراه من گر بمانم من به جای خویشتن پس که مدفون گردد اندر قبر من تا پناه خیل زواران شود شافع جرم گنهکاران شود [۱۴] .دیگر از جمله همین افکار رایج اما نادرست، بیان عروسی قاسم بن الحسن (ع) در صحنه ی کربلاست که در شعری از شاعر دوره ی قاجار چنین می خوانیم:بگریست شاه دین که مرا هم وصیتی است در حق تو از آن شه خوشخوی خوش وصال(گفتار امام حسین (ع) با حضرت قاسم در روز عاشورا)بربست عقد فاطمه را از برای تو عباس و عون شاهد عقد و گواه حال مهر عروس در ره امت فدا شدن آری چنین رجال خرامند در مجال در خیمه با عروس برآسود ساعتی کآمد ز دشت معرکه آواز القتال از جای جست و گریه کنان با عروس گفت ما و تو را به روز قیامت بود وصال [۱۵] .همچنین طرح قضیه حفر چاه در محیط خیام و حرم ابا عبدالله الحسین (ع) به خاطر دستیابی به آب و رهایی از تشنگی عذاب آوری که سپاهیان ابن سعد برای آن حضرت و یارانش به وجود آورده بودند:آمد سکینه با جگر پر زتاب و گفت ای شاه، چاره ای جگر پر زتاب رابرداشت سوی قبله شه تشنه

لب سه گام فرمود برکنید سپس این تراب راکندند و یافتند یکی آب خوشگوار کز طعم خویش طعنه زدی شهد ناب راخوردند اهل بیت و فرورفت در زمین از سر سکینه بازگرفت اضطراب راآبی نیافتند جز آن آب، تشنگان کز دل فرونشاندشان التهاب را [۱۶] .ذوالجناح مساوی است با نام اسب حضرت سیدالشهداء که در روز طف، حضرت بر این اسب سوار بود. چون امام حسین (ع) به شهادت رسید، اسب در خون آن حضرت غلتید و با سر و یال به خون آغشته به خیمه گاه آمد. همین که جلو خیمه گاه رسید صیحه ای کرد و آن قدر سر خود را بر زمین زد تا جان داد. زنان حرم که اسب را بدیدند، دانستند که حضرت به شهادت رسیده است. در اخبار مقاتل و در تعزیه های متداول در ایران، ذوالجناح نقش مهمی برعهده داشته است. [۱۷] .بی من به سوی خیمه نهد روی ذوالجناح شسته به خون لجام و نگونسار گشته زین [۱۸] .زعفر (در تداول جعفر) جنی به اصطلاح عامه، پادشاه مسلمان جنیان را گویند که روز عاشورا به یاری امام حسین (ع) شتافت و با لشکر خویش اجازه ی میدان خواست که حضرت به او رخصت حرب نداد و فرمود از انصاف و مردانگی به دور است زیرا شما آنان را می بینید و ایشان، شما را نمی بینید. [۱۹] .در سعادت زعفرا نیک اختری مر مرا در هر دو عالم یاوری [۲۰] .

## شبیه خوانی

از زمانی که شبیه خوانی بویژه برای برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان رسم، و از این وسیله برای بیشتر گریاندن مردم در این مصیبت سوء استفاده شد، اشعار و تکیه کلامهایی در شبیه خوانیها، غالبا توسط افراد

ناآگاه و بدون اطلاع و بدون استفاده از منابع معتبر، جعل و خوانده شد که ذیلا به برخی از آنها اشاره می شود:از زبان هند زن یزید در گفتگو با زینب (ع) در شب وفات رقیه در شام:مدینه گفتی و کردی کبابم ربود اسم مدینه صبر و تابم [۲۱] .از زبان امام (ع) بر سر جنازه ی علی اکبر:فغان کز هر چه ترسیدم، رسیدم همی ترسیدم از روز جدایی [۲۲] .زبان حال اهل بیت خطاب به روح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع):ما از مدینه تا به جوار تو آمدیم آخر تو از نجف قدمی پیشتر بیا [۲۳] .گفتگوی زینب (س) روز عاشورا با خود:مرگت آمد ای زینب جان به کف مهیا کن بی حسین شوی امروز فکر روز فردا کن [۲۴] .زبان حال شمر در ورود به شام، خطاب به اهل بیت:مرگ نوتان مبارک ای اهل حرم باز آمده ام که تا شما را ببرم [۲۵] .خطاب یزید به سر بریده ی حضرت حسین (ع) هنگام ورود شبیه اهل بیت به شام:آخر به آستانه ی من با سر آمدی با من تو در مقام خصومت برآمدی [۲۶] .زبان حال حضرت زینب (س) هنگام شهادت امام (ع):این همه لشکر برای کشتن یک تن تاری روزم شب سیاه ندارد [۲۷] .زبان حال امام (ع) در رؤیای زینب در شب وفات رقیه علیهاسلام در شام:عجب رعایت اطفال بی پدر کردی عجب یتیم نوازی به جای آوردی [۲۸] .آن چنانکه ملاحظه می شود هر یک از الفاظ یا مفاهیمی که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم به هر حال بتواند نوعی ارتباط با این واقعه برقرار کند، صرف نظر از جنبه ی تقدس آن، حتی نزد شیعیان و وفاداران مخلص خاندان اهل بیت

علیهم السلام نیز مورد استفاده یا بهتر بگوییم سوء استفاده قرار گرفته است.از سخنان بی پایه و اساس گرفته تا نقل وقایع بدون مبنا و گاهی حتی خلاف عقل و منطق دینی و نیز افکار و اعتقادات خرافی شکل، و سخیفتر از همه در برخی موارد، چنانکه در شبیه خوانیها و نیز ضرب المثلها دیده می شود، شکل ذلت بار دادن به این حرکت سراپا عزته آفرین و احیاکننده ی دین که اگر نبود براستی درخت دین می خشکید و طراوات، نشاط و شادابی خود را از دست می داد. همان گونه که قبلا نیز اشارتی شد برای این جنبه از کاربردها نمی توان تاریخ شروع واقعی یافت و نیز نمی توان حدود و کم و کیف بهره جویی از آن را دقیقا ترسیم کرد؛ در واقع و به عبارت دیگر، از لابلای کلام و سخنان منظوم و نیز منثور و نیز بهره گیریهایی که هدف عمده ی آنها بیشتر تأثیر فوق العاده گذاشتن بر مخاطب و نیز واداشتن او به جزع و فزع و سوز و شوق درونی بیش از اندازه بوده و یا سعی در بهتر و بیشتر نشان دادن اندوه درونی از تأثیر واقعه بر گوینده نشأت گرفته است، می توان چنین نتیجه گیری کرد که شدت، فراگیری، گسترش و رواج این واقعه و تأثیر و تأثر از آن، حتی سبب شده است که این چنین دستمایه ی گویندگان قرار گیرد و به تدریج موجب رسوب و شکل گیری دیدگاهی خاص به این واقعه گشته که کم و بیش در ابعاد گوناگون آن در زندگی معاصر ما نیز جاری است.شاعری برای بیان شدت ذلت و خواری خود در میان گروهی، بدون توجه به جنبه ی اعتقادی و مبارزاتی و حیات آفرینی حرکت حسینی، مسلم بن

عقیـل یـار وفـادار امـام همـام و نماینـده ی آن حضـرت را در کوفه که شـجاعانه مقاومت کرد، جنگیـد تا به شـهادت رسـید و گرفتـاری او را به دست خون آشامان شام، مورد سوء اسـتفاده ی فکری و بیانی قرار داده، چنین می گویـد:فینی چو قوم کوفی مـن مسـلم عقیلـم در دسـت این جمـاعت افتـاده و ذلیلم [۲۹] .مشـخص است که بـدون تـوجه به جـوانب مختلف و پیامـدهای گوناگون قضیه، هدف، فقط نوعی خاص از بیان مطابق با مقتضای حال نزد شاعر است و نه چیز دیگر.

## ضرب المثلها

بخش مهمی از تأثیرگذاری تحریفات، سوء برداشتها، تفسیرهای غلط و تأثیرپذیری این گونه انحرافات در ضرب المثلهای رایج است که غالب مورد استفاده ی عوام قرار می گیرد و بسیاری از موارد بدون توجه به مفهوم اصلی و تقدس آن و یا خطا بودن مفهوم، کـاربرد روزمره پیـدا کرده و می کنـد؛ بـاز به عنوان نمونه و به اختصـار به برخی از آنها اشاره می شود:از زبان حارث، قاتـل طفلان مسـلم بن عقیل که گاهی به مزاح برای خواسـتن طعام نیز به کار می برنـد:بیاور لقمه ی نانی که تا تازه کنم جانی که خوان جهل و نادانی به هم بر زد مـدار من [۳۰] .از دادن و از ندانت، داد، فلک دادی به حسن، آب، ندادی به حسـین [۳۱] .مراد از آب که فلـک به حسن (ع) داد، همـان آب مسـموم است که حضـرتش را بـدان وسـیله شـهید کردنـد.از جمله ضـرب المثلهای رایـج و شایع:خدا خواسـته است، اگر حضـرت عباس بگذارد. [۳۲] .نـه به آن زینب و کلثـوم شـدنت نه به این داریه. [۳۳] .الهی فال زینب راست باشد (خدا کند طوری که شما گمان می برید بشود). [۳۴] .خطاب حضرت

عباس بن علی (ع) پس از مقطوع شدن هر دو دست آن حضرت به یکی از مخالفان:آن وقت که دست داشتم، نیامدی. [۳۵] .امام حسینی نیست و گرنه شمر بسیار است. [۳۶] .مثل امام زین العابدین بیمار (نحیف، لاغر). [۳۷] .زان ساکن کربلا شدستی کامروز در مقبره ی یزید حلوایی نیست [۳۸] .و یا اشاره به مسأله مجعول ازدواج شهربانوی ساسانی با امام حسین (ع) خاقانی می گوید:گله شهربانو از عمر است خاطرم بکر و عهد نامرد است شهربانو را به خانه عمر بردند و شهربانو به همسری او راضی نبود سپس او را به حسین بن علی (ع) تزویج کردند. [۳۹] .

## پاورقی

[۱] منطق الطیر ص ۱۳۴.

[۲] کاروان هند جلد ۲ ص ۸۵۴ شعر از عارف دارابی شیرازی شاعر قرن یازدهم.

[۳] خلاصه الاشعار و زبده الافکار اصل هفتم شعر از کمال الدین سهوی شاعر اواخر قرن دهم.

[۴] نگاه کنید به کلیات (دیوان) شمس تبریزی ص ۱۳۴، ۱۱۳ و مطلع دو غزل در ص ۲۶۰ و ۲۶۶.

[۵] دفتر سوم مثنوی، ب ۷۲.

[۶] همان، ب ۴۲۱۳.

[۷] به عنوان نمونه ر. ک به دیوان خاقانی ص ۴۷۰، ۴۶۲، ۲۸۱، ۱۵۱، ۱۴۲، ۴۹ و ۹۳۱.

[۸] همان، ص ۲ اولین قصیده با مطلع: جوشن صورت برون کن در صف مردان درآ دل طلب کز دار ملک دل توان شد پادشا.

[۹] کاروان هند جلد ۲ ص ۱۹۳ شعر از علی ترکمان خراسانی، شهید در ۹۹۹ ه. ]

[۱۰] تاریخ ادبیات در ایران ج ۵، بخش یک ص ۵۴۶ شعر از غنی کشمیری و ۱۰۷۹ ه.

[۱۱] خلاصه الاشعار اصل اول از فصل اول شعر از مسیح کاشی.

[۱۲] ده گفتار ص ۲۴۸.

[۱۳] سروش اصفهانی از شاعران بنام قرن

سیزدهم، عاشورا و شعر فارسی، ص۱۵۱.

[۱۴] حاجی میرزا محمدتقی قمی، منتهی الآمال ج اول ص ۳۰۱.

[۱۵] سروش اصفهانی، عاشورا و شعر فارسی ص ۱۵۸.

[۱۶] همان، ص ۱۵۱.

[۱۷] فرهنگ اساطیر، ص ۲۲۶.

[۱۸] فرهنگ تلمیحات، ص ۳۰۸.

[۱۹] فرهنگ اساطیر، ص ۲۲۶.

[۲۰] فرهنگ تلمیحات، ص ۳۰۸.

[۲۱] امثال و حکم، جلد سوم، ص ۱۵۰۷.

[۲۲] همان، ج ۲، ص ۱۱۴۴.

[۲۳] همان، ج ۳، ص ۱۳۷۷.

[۲۴] همان، ص ۱۵۳۱.

[۲۵] همان، ص ۱۵۳۲.

[۲۶] همان، ج ۱، ص ۱۹.

[۲۷] همان، ص ۳۴۰.

[۲۸] همان، ج ۲، ص ۱۰۹۰.

[۲۹] خلاصه الاشعار فصل دوم از اصل اول، همدمی کاشانی.

[۳۰] امثال و حکم، ج اول، ص ۴۸۳.

[۳۱] همان، ص ۱۲۸.

[۳۲] همان، ج ۲، ص ۷۱۷.

[۳۳] همان، ج ۱، ص ۲۳۹.

[۳۴] همان، ص ۲۳۲.

[۳۵] همان، ص ۶۸.

[۳۶] همان، ص ۲۸۲.

[۳۷] همان، ج ۳، ص ۱۴۰۵.

[۳۸] همان، ج ۲، ص ۸۸۳.

[۳۹] همان، ج ۳، ص ۱۳۲۱ به نقل از حاشیه ی خاقانی.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹